

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



ساختار نظام بین‌المللی

مقدمه

نظام بین‌الملل کنونی ریشه در پیدایش دولت ملی در اروپا دارد و بر پایه تحولات جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. در شش دهه گذشته، نظام بین‌الملل ضمن حفظ اصول و مبانی اولیه خود در چند مرحله دگرگون شده است. استعمارزدایی در دهه ۶۰ موجب افزایش تعداد و قدرت دولت‌های مستقل جهان سوم در جامعه بین‌المللی و گسترش نظام بین‌المللی به سراسر جهان شد. ساختار نظام دوقطبی برخاسته از جنگ جهانی دوم با فروپاشی شوروی در پایان سال ۱۹۹۰، به هم ریخت. پیدایش بازیگران غیردولتی بین‌المللی در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چند دهه گذشته سومین تحولی است که بر ساختار نظام بین‌الملل تأثیر گذاشت. دگرگونی در قواعد و هنجارهای بین‌المللی تحول ژرفی است که هر چند در بطن این نظام قرار دارد، اما در سال‌های گذشته، سرعت بیشتری یافته و نظام بین‌المللی را به جامعه بین‌المللی و حتی جامعه جهانی نزدیک‌تر کرده است.

بررسی تغییرات و تحولات نظام بین‌المللی در قالب نظریه مطالعه سیستمی نظام بین‌الملل صورت می‌گیرد. بر اساس این نظریه، نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از دولت‌ها یا بازیگران بین‌المللی است که رفتار آنها بر اساس یک سلسله منافع و اهداف، قواعد و هنجارها شکل گرفته، از همدیگر تأثیر می‌پذیرند و به طور منظم، با یکدیگر در تعامل‌اند. در ساختار نظام بین‌المللی نوعی ثبات و تداوم وجود دارد. تغییر در نظام بین‌المللی ممکن است تغییر در بازیگران، نظام‌های فکری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مناسبات و توزیع قدرت در جهان، ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی باشد. برخی از این تغییرات آشکار و ملموس و برخی تدریجی و آرام‌اند.

در سال‌های اخیر، به سبب سرعت زیاد تحول در علم و فناوری، تغییرات بین‌المللی نیز عمیق‌تر و سریع‌تر شده‌اند. بررسی میزان تغییر و ثبات در ساختار نظام بین‌المللی در یک دوره زمانی یک‌ساله بسیار سخت و دشوار است. با وجود این، تشریح برخی رویدادها و تحولات می‌تواند تغییرات آشکار و ژرف را در ساختار نظام بین‌المللی نشان دهد.

تحولات و تغییرات ژرف در نظام بین‌المللی

تغییرات و تحولات اساسی در ساختار بین‌المللی بر اساس توزیع قدرت در سطح بازیگران، رویکرد بازیگران کلیدی، ماهیت قدرت و ثروت، مناسبات قدرت‌های بزرگ و قواعد و هنجارهای تعیین‌کننده در جامعه جهانی بررسی می‌شود. این تغییرات بطئی و کند و با فراز و فرودهایی همراه است، اما بررسی این موضوع به سبب تأثیرات اساسی ساختار نظام بین‌المللی بر قدرت و امنیت ملی کشورها و تهدیدات و فرصت‌های آنها در عرصه جهانی می‌تواند راه‌گشا باشد.

نظام تک/چندقطبی: نظام بین‌المللی بر اساس توزیع قدرت در جهان همچنان نظامی یک/چندقطبی است و در سال ۱۳۹۱، در این زمینه تغییری اساسی پدید نیامد. آمریکا همچنان در رأس نظام بین‌المللی است و می‌کوشد هژمونی خود را از طریق حمایت قدرت‌های غربی، مخالفت نکردن جدی کشورهای دیگر و همکاری قدرت‌های متعارض مثل روسیه و چین و جلوگیری از تبدیل شدن آنها به قدرت مقابله‌جو حفظ کند. پیروزی اوباما در انتخابات ۱۶ آبان آمریکا و انتخاب رهبر جدید چین در کنگره هیجدهم حزب کمونیست، که در همان سخنرانی نخست خود بر توسعه پایدار اقتصادی و رفاه مردم چین تأکید کرد، زمینه‌های مقابله‌جویی میان قدرت‌های بزرگ جهان را تضعیف کرد. دست‌کم رویکرد اوباما در قیاس با رقیب جمهوریخواهش بسیار همکاری‌جویانه است و تمایلی به رویارویی با دو قدرت چین و روسیه ندارد. او بر بین‌الملل‌گرایی تأکید می‌کند و بر این واقعیت آگاه است که آمریکا به تنهایی قادر به مقابله با مسائل و مشکلات جهان نیست و همکاری نکردن قدرت‌های بزرگ با آمریکا سازمان ملل را در مقابله با تهدیدات امنیتی تضعیف می‌کند و به بن‌بست می‌کشاند؛ موضوعی که تحولات سوریه در سال ۱۳۹۱ نمونه برجسته آن است که نه سازمان ملل قادر به اقدام عملی در آن است و نه آمریکا تمایلی به رویارویی با قدرت‌های غیرغربی شورای امنیت دارد.

بازیگران پر قدرت مجازی: در نظام بین‌المللی کنونی، هر چند دولت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی به شمار می‌آیند، اما هر سال توزیع قدرت به نفع رقبای آنها در جریان است. شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای و جهانی، سازمان‌های بین‌المللی

نظام بین‌الملل مجموعه‌ای از دولت‌ها یا بازیگران بین‌المللی است که رفتار آنها بر اساس یک سلسله منافع و اهداف، قواعد و هنجارها شکل گرفته، از همدیگر تأثیر می‌پذیرند

غیردولتی، سازمان‌های تروریستی و جنایت کار و شبکه‌های اجتماعی مجازی بازیگرانی‌اند که نقش تعیین‌کننده‌ای در روند تحولات نظام بین‌المللی دارند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۱ با استقبال بیشتر مردم و نخبگان از جمله سیاست‌مداران همراه بود و با سرعت بیشتری در جهان گسترش یافت. شبکه‌های مجازی با شرکت‌های چندملیتی فعال در حوزه فناوری ارتباطات و بازارهای بورس پیوند بیشتری یافتند و به قدرت‌های بزرگ اقتصادی نیز تبدیل شدند. افزایش سریع اعضا، قدرت اقتصادی قوی و نوآوری‌های متنوع به شبکه‌های اجتماعی این امکان را داده است تا به بازیگران مهم و مؤثری در شکل‌دادن به مناسبات بین‌المللی و قواعد، هنجارها و ارزش‌های جهانی تبدیل شوند و بیش از پیش، نظام بین‌المللی را به سوی جامعه جهانی سوق دهند که در آن، نه دولت‌ها، بلکه افراد اصالت دارند و فراسوی مرزها و حاکمیت ملی با همدیگر ارتباط برقرار و تبادل نظر می‌کنند.

در سال ۲۰۱۲، تعداد کل کاربران اینترنت در سراسر جهان به ۲/۴ میلیارد نفر رسید که بیش از ۳۴ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شود. ۲/۲ میلیارد نفر کاربر ایمیل‌های مختلف در جهان هستند. فروش گوشی‌های هوشمند در این سال از مرز ۱/۱ میلیارد گذشت و ارتباط محیط واقعی با محیط مجازی را آسان‌تر کرد. اعضای فیس‌بوک به منزله مهم‌ترین شبکه اجتماعی در کمتر از دو سال از دو برابر عبور کرده و از مرز یک میلیارد نفر گذشته است. آنها روزانه ۲۵۰ میلیون عکس و اعضای یوتیوب در هر ثانیه یک ساعت فیلم در محیط وب بارگذاری می‌کنند. ورود فیس‌بوک به بازار بورس و تبدیل شدن آن به یک شرکت مهم چندملیتی تحول دیگری است که ضمن نشان‌دادن ظرفیت بالای اقتصادی و اجتماعی این حوزه، گویای تحول در شرکت‌های چندملیتی برتر از صنایع نفت و خودروسازی به سوی حوزه فناوری ارتباطات است. در حال حاضر، شرکت‌های حوزه رایانه، اینترنت و ارتباطات ثروت‌مندترین شرکت‌های چندملیتی جهان به شمار می‌آیند که نقش مهمی در شکل‌گیری شهروندان جهانی، اقتصاد مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته یا دانش‌بنیان، نظام اقتصادی اعتباری و کم‌رنگ شدن مکان و مرزهای ملی دارند. با این روند حکومت‌داری بسیار سخت و فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود.

تداوم بحران و گسترش بازار آزاد: اقتصاد یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری و تحول در توزیع قدرت، رویکردها و قواعد نظام بین‌المللی است. نظام اقتصاد بازار آزاد به رغم بحران شدید در حوزه یورو و تداوم رکود در اقتصاد آمریکا در حال گسترش در سراسر جهان است. هر روز پیوندهای اقتصادی چین و آمریکا به عنوان دو نظام سیاسی کاملاً متفاوت عمیق‌تر می‌شود. روسیه در ۱۹ اوت به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد. آمریکا به منزله بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی جهان با رکود روبه‌روست. بحران

اقتصادی در حوزه یورو تداوم دارد و بی‌ثباتی سیاسی در یونان، ایتالیا و اسپانیا و انتخاب رئیس جمهوری چپ‌گرا در فرانسه را سبب شده است. در سال گذشته، در سایه تداوم بحران حوزه یورو و تداوم رکود در اقتصاد آمریکا و ژاپن، کشورهای چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی با جمعیت زیاد و رشد بالاتر از میانگین رشد جهانی موتور تداوم رشد اقتصادی جهان بودند. پیش‌بینی مؤسسات تحقیقاتی و اطلاعاتی نشان‌دهنده آن است که اقتصاد چین در کمتر از بیست سال آینده از اقتصاد آمریکا پیشی خواهد گرفت و به اقتصاد اول جهان تبدیل خواهد شد. در همین حال، چین با ۷/۸ رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۲، در بیش از یک دهه گذشته، کمترین رشد اقتصادی را تجربه کرد.

مناسبات قدرت و هویت در جهان: مناسبات قدرت و هویت میان بازیگران اصلی و کانون‌های مهم قدرت شاخص دیگری برای تعیین و توصیف ساختار نظام بین‌المللی است که به اختصار به تداوم و تغییرات آن در سال ۱۳۹۰ اشاره می‌شود. کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکا، کانادا، ژاپن و استرالیا قدرت‌های لیبرال جهان‌اند که با اقتصاد آزاد و نظام سیاسی لیبرال شناخته می‌شوند. آمریکا در رأس این کانون قدرت قرار دارد که با روی کارآمدن اوباما در این کشور اختلافات میان آنها کمتر و همکاری و انسجام درونی آنها بیشتر شده و پیروزی دوباره او پیوند میان دولت‌های غربی را فزون‌تر کرده است. تک‌مضارب‌های دولت انگلستان در برابر اتحادیه اروپا بیشتر در قالب رقابت برای کسب منافع بیشتر است تا تلاش برای برهم زدن آن.

در ضلع دیگر مناسبات قدرت در جهان، رویکرد بین‌الملل‌گرایی اوباما در قیاس با جمهوری خواهان موجب تلطیف مناسبات آمریکا با روسیه و چین شده است و به رغم پیروزی پوتین در روسیه، بروز تنش‌های موردی میان دو کشور از جمله درباره سوریه موجب تشدید تعارض میان آنها نشده و روسای هر دو کشور به شکل آگاهانه از بروز مناسبات تنش‌زای غیرقابل کنترل پرهیز می‌کنند. پیمان استراتژیک آمریکا و روسیه درباره کاهش سلاح‌های هسته‌ای به یک سوم، که در اوایل سال ۲۰۱۱ امضا شد، به اجرا درآمده و دولت آمریکا بیش از تعهد خود در این پیمان درصدد کاهش زرادخانه هسته‌ای آمریکا به زیر هزار کلاهک است. با وجود این، روابط دو کشور در وضعیت سردرگمی است. آنها نه گرایش به منازعه دارند و نه اعتمادی به هم. روسیه نگران آن است که آمریکا توجهی به منافع مسکو نکند و از موضوع همکاری دو کشور همان‌گونه که در لیبی اتفاق افتاد، تنها در راستای منافع خود استفاده کند.

مناسبات چین و آمریکا به مراتب عمیق‌تر، پیچیده‌تر و نگران‌کننده‌تر است. چین از چنان ظرفیتی برخوردار است که در آینده نه چندان دور، به قدرت درجه یک جهان تبدیل خواهد

شد و جایگاه آمریکا را به صورت کامل به چالش خواهد کشید. رشد مداوم بالای ۸ درصدی اقتصاد چین در بیش از یک دهه گذشته و داشتن بزرگ‌ترین جمعیت جهان نگرانی مزبور را در آمریکا افزایش داده است. در همین حال، رشد اقتصادی چین این پرسش را در جهان پدید آورده است که رشد اقتصادی تنها در سایه اقتصاد آزاد ممکن نیست؛ نظام‌های اقتصادی غیرغربی ممکن است در این زمینه قدرتمندتر هم باشند. از این نظر، رشد اقتصادی چین نه تنها قدرت پکن را در برابر واشنگتن تقویت می‌کند، بلکه هژمونی اقتصادی دنیای غرب را نیز به چالش می‌کشانند. چین در اثر اعتماد به نفسی که از رشد اقتصادی به دست آورده، در سال‌های گذشته، در مناطق پیرامونی عرض اندام بیشتری کرده است. دولت اوپاما نیز برای مقابله با خطرهای رو به گسترش چین تغییراتی در راهبرد دفاعی آمریکا ایجاد کرده و برای کنترل ایران و چین تمرکز خود را از اروپا به سمت آسیا سوق داده است. در شرق آسیا به رغم غلبه رویکرد توسعه‌ای، خطر نظامی چین و کره شمالی پابرجا و چالش‌زاست و تشدید اختلافات بر سر مسائل سرزمینی که در سال ۱۳۹۱ تا آستانه درگیری نظامی پیش رفت، می‌تواند رویکرد نظامی‌گرایی را احیا و تشدید کند.

چین و روسیه دو قدرت بزرگ و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل‌اند که به دلیل هم‌جواری جغرافیایی و سیاسی به یکدیگر نزدیک شده و در حوزه‌های اقتصادی، مقابله با تندروری اسلامی و جدایی‌طلبی، شکل دادن به نظام بین‌المللی، به صورت دوجانبه یا در قالب سازمان‌های بین‌المللی مثل شورای امنیت و سازمان شانگهای با یکدیگر همکاری می‌کنند. آنها علاوه بر ۴ هزار و ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک، در زمینه جلوگیری از تسلط آمریکا بر نظام بین‌المللی منافع مشترک دارند و در مقابل اقدامات دولت‌های غربی در نادیده گرفتن حاکمیت‌های ملی و تأکید بر حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و تحمیل نظام اقتصادی و سیاسی غرب بر این کشورها احساس نگرانی می‌کنند. در همین حال، چین با گرایش به اقتصاد بازار آزاد کاملاً موفق بوده و همچنان خود را نیازمند همکاری با غرب و علم و فناوری آنها می‌داند. از این نظر، در رویکرد سیاست خارجی چین، غرب جایگاه برجسته‌ای دارد و به رغم همکاری چین و روسیه در برخی از زمینه‌ها از جمله سوریه و ایران مناسبات اقتصادی و مالی چین با اروپا و آمریکا چنان عمیق است که برخی از تحلیلگران از چین و آمریکا به منزله موجود واحدی به نام چین‌امریکا (Chinamerica) یاد می‌کنند. در سال ۱۳۹۱ مقایسه مناسبات چین با روسیه و آمریکا نشان‌دهنده تفاوتی اساسی است. درحالی که نگرش سیاسی و حقوق بشری چین و آمریکا بسیار متعارض و تنش‌زاست و در سال ۱۳۹۱ موجب بروز مشکلاتی شد، در حوزه دیپلماتیک، روابط نزدیک و انتقادی و در حوزه اقتصادی و تجاری، بسیار گرم و عمیق است. بر عکس، نگرش و منافع سیاسی و امنیتی چین و روسیه، به ویژه در نظام بین‌المللی به هم

در بررسی امنیت بین‌المللی چیزی که اکنون بیشتر نمود یافته و مورد توجه آمریکا و قدرت‌های بزرگ قرار گرفته، حملات سایبری است

نزدیک و از نظر تأمین نیازها و منافع اقتصادی بسیار ضعیف است. انتخاب شی جین پینگ به مقام دبیرکل حزب کمونیست چین و تأکید وی بر توسعه و رفاه پایدار برای مردم این کشور در اولین سخنرانی خود، نشان‌دهنده آن است که چین همچنان توسعه اقتصادی را به عنوان اولویت اول خود حفظ خواهد کرد و بر قدرت نظامی و توسعه توانمندی‌های فضایی خود از طریق توسعه اقتصادی خواهد افزود.

جهان عرب و خیزش اسلام‌گرایی: خاورمیانه به منزله یکی از کانون‌های تأثیرگذار در نظام بین‌المللی، همچنان دچار بی‌ثباتی است و تغییراتی که از سال قبل آغاز شده بود، ادامه دارد. انتخابات در کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن برگزار شد، اما عرصه سیاسی همچنان پرتنش و محل مناظره و کشمکش گفتمان‌ها و بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. اسلام‌گرایان میانه‌رو در تونس و مصر در موقعیت برتر قرار دارند. آنها در مصر، با پیروزی در انتخابات، حکومت را در اختیار گرفتند، اما گروه‌های سکولار با حضور پر قدرت خود در جامعه اجازه نمی‌دهند که قدرت یک‌دست شود. اسلام‌گرایان تندرو در حاشیه قدرت موقعیت مناسب‌تری برای فعالیت خود یافته‌اند و در مناطق بحرانی حضورشان پررنگ‌تر شده است. در سوریه اوضاع متفاوت است و مبارزات سیاسی به جنگ تمام‌عیار داخلی و رقابت و کشمکش گسترده خارجی میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. این منازعه شورای امنیت سازمان ملل را به بن‌بست کشاند و تلاش‌های دیپلماتیک کوفی عنان، نماینده این سازمان و اتحادیه عرب، را ناگزیر به استعفا کرد. تا کنون تلاش‌های اخضر ابراهیمی، نماینده جدید این دو سازمان، موجب برقراری آتش‌بس در این کشور نشده است و با افزایش خطر افراط‌گرایی در منطقه این نکته آشکار شد که سازوکارهای جامعه بین‌المللی برای تأمین امنیت کارآمدی لازم را ندارند و قدرت‌های بزرگ چنان به یکدیگر بی‌اعتمادند که هنوز نمی‌توانند درباره مسائل امنیتی منطقه‌ای به راحتی به توافق برسند.

محلی شدن تروریسم و جهانی شدن جنگ سایبری: یکی از تغییرات و تحولات ژرفی که نظام بین‌المللی با آن روبه‌روست و به نوعی حاصل تغییرات در علوم و فناوری به شمار می‌آید، ماهیت و نوع جنگ است. بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، دولت آمریکا «جنگ علیه تروریسم» را اعلام و برای نابودی آن به کشورهای افغانستان و عراق حمله کرد و در کشورهای مختلف جهان، به ویژه پاکستان و یمن به عملیات اطلاعاتی و نظامی گسترده‌ای دست زد. امسال، باراک اوباما به طور رسمی پایان یک دهه «جنگ علیه تروریسم» را اعلام کرد. تهدیدات القاعده علیه آمریکا به شدت کاهش یافته و حضور آن در افغانستان و عراق بسیار کم‌رنگ شده است. هرچند برخی خبرها گسترش نفوذ این گروه را در برخی از کشورهای جهان عرب و آفریقا نشان می‌دهند که عمدتاً محلی عمل می‌کنند. در بررسی امنیت بین‌المللی چیزی

که اکنون بیشتر نمود یافته و مورد توجه آمریکا و قدرت‌های بزرگ قرار گرفته، حملات سایبری است. بازیگران بین‌المللی در یک سال گذشته در بررسی و برآورد تهدیدات امنیتی، تدوین راهبرد امنیت ملی‌شان و تحمیل اراده خود به کشورهای دیگر به فضای مجازی بیش از پیش توجه کرده‌اند. حملات سایبری در راهبرد دفاعی آمریکا، روسیه و انگلستان در نظر گرفته شده و در نشست ناتو در شیکاگو و همچنین در نشست امنیتی مونیخ در آلمان مورد توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفته است. افزایش حملات سایبری به سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشورها در سال گذشته شاخص دیگری از روند رو به رشد این موضوع در جهان آینده است.

برآورد مقایسه‌ای

مقایسه رویدادها و تحولات سال ۱۳۹۱ با سال قبل نشان‌دهنده تداوم ساختارها و تغییرات ژرف در نظام بین‌المللی است. در این سال، شبکه‌های اجتماعی به منزله بازیگران جدید با ماهیت مجازی و اجتماعی و رویکرد متفاوت نفوذ خود را در نظام بین‌المللی از طریق گسترش فعالیت‌ها، ظهور در قالب شرکت‌های چندملیتی ثروتمند بیش از پیش نشان دادند و به رغم تداوم منازعه و کشمکش در برخی از مناطق جهان تروریسم نسبت به سال قبل کم‌رنگ‌تر بود. دولت اوپاما به طور رسمی، پایان یک دهه «جنگ علیه تروریسم» را اعلام کرد و تمرکز او به جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و تأکید ویژه کشورها بر جنگ سایبری، افزایش توجهات به حوزه تهدیدات مجازی را نشان می‌دهد.

به رغم خوش‌بینی‌های اولیه رشد اقتصادی جهان نسبت به سال قبل کاهش یافت و تداوم بحران در اقتصاد اروپا و رکود در اقتصاد آمریکا به همراه کاهش اندک رشد اقتصادی چین موجب شد که کشورهای نوظهور همچنان به منزله موتور رشد اقتصادی جهان عمل کنند. تغییری در کانون‌های قدرت در جهان پدید نیامده، اما مناسبات آنها در اردوگاه غرب قوی‌تر شده و بین‌الملل‌گرایی از طریق گسترش بازار آزاد، قواعد جهان‌شمول، رویکرد دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ به همکاری به رغم نبود توافق در شورای امنیت درباره سوریه افزایش یافته است. دو جنبش بیداری اسلامی و ضد وال استریت نسبت به سال ۱۳۹۰ کم‌رنگ بودند. اولی به دلیل ورود به عرصه نهادی و پیروزی در مصر و تونس، سرکوب در برخی از کشورها و ناامیدی در برخی دیگر و دومی به دلیل برگزاری انتخابات به منزله سازوکار نهادی اظهارنظر از تب و تاب افتادند. اعتراضات عمومی به برنامه‌های ریاضتی در اروپا نیز به رغم تداوم در برخی کشورها، نسبت به سال قبل موفقیت زیادی نداشت و در انتخابات برگزار شده احزابی به پیروزی رسیدند که دست کم مخالفت کاملی با سیاست‌های ریاضتی ندارند.

مقایسه رویدادها و تحولات سال ۱۳۹۱ با سال قبل نشان‌دهنده تداوم ساختارها و تغییرات ژرف در نظام بین‌المللی است

چشم‌انداز ۱۳۹۲

بررسی روند تحولات و رویدادهای سال ۱۳۹۱ در نظام بین‌المللی نشان دهنده این است که به رغم وجود بحران‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و تداوم منازعه و خشونت در برخی از مناطق، روندهایی مانند جهانی شدن، وابستگی متقابل اقتصادی، اولویت یافتن قدرت اقتصادی و قدرت نرم، تأکید بر حقوق بشر، حفظ محیط‌زیست، استفاده از روش‌های دیپلماتیک و متقاعدکننده به جای روش‌های زورمندانه و سرکوبگر در حال پیشروی‌اند و ساختار نظام بین‌الملل را به سمت جامعه جهانی سوق می‌دهند که در آن، انحصار دولت ملی در اعمال انحصاری حاکمیت شکسته شده است و بازیگران قدرتمند جدید که با ماهیت متفاوت شکل گرفته‌اند، با نادیده گرفتن محدودیت‌های حاکمیت ملی عمل می‌کنند.

امنیت نظامی و اقتصادی کشورها به شدت به هم گره خورده است و روز به روز شدیدتر هم می‌شود. نظامیگری در سطح دولت‌های بزرگ کنترل شده است و هرچند آنها در تقویت رژیم کنترل تسلیحات منفعت مشترک دارند، کنترل بحران اقتصادی به اولویت اول آنها تبدیل شده است که تشدید آن به اقتصاد همه کشورهای جهان ضرر می‌زند. دولت‌های ملی، سازمان‌های منطقه‌ای و گروه‌های گوناگون دیگر مانند گروه ۸ و گروه ۲۰ دریافته‌اند که اقتصاد و امنیت کشورها چنان به هم وصل است که فروریزی هر کدام از آنها یا حمایت‌گرایی اقتصادی افراطی از یک مجموعه در بلندمدت به همه لطمه می‌زند. تهدیدات جهان امروز بدون هماهنگی و همکاری جمعی برطرف نمی‌شود. این روند هر سال پررنگ‌تر می‌شود.

با وجود این، رقابت تسلیحاتی میان قدرت‌های منطقه‌ای به شکل‌های گوناگون تداوم می‌یابد و به شکل متناقض‌نمایی موجب رقابت و همکاری قدرت‌های بزرگ می‌شود. آنها در سطحی با یکدیگر رقابت و در حوزه‌ای به همکاری می‌پردازند تا رژیم کنترل تسلیحات از بین نرود. در سال آینده، ضمن اینکه تغییر اساسی در ساختار نظام بین‌المللی پدید نخواهد آمد، تغییرات ژرف مانند تمایل به اقتصاد آزاد، بین‌الملل‌گرایی، ضدیت با خشونت، رعایت حقوق بشر، حفظ محیط زیست، احترام به آزادی‌های اساسی، حکومت‌داری خوب و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به منزله ارزش‌های جهانی با همه افت و خیزها، روند رو به رشد خود را حفظ خواهند کرد.